

سازمانده کمونیست ۴۴

سر دبیر: محمد فتاحی m.fatahi@gmail.com 00447881885815 تماس با کمیته: sazmandeh.k@gmail.com دیماه ۱۳۸۹

امنیت و فنون مبارزه با پلیس

نوشته ای که در دسترس دارید "امنیت و فنون مبارزه با پلیس" بخشی از نیازهای حیاتی ما در مبارزه با پلیس سیاسی است که کمیته سازمانده از مدتها قبل تصمیم به تهیه آن گرفت. تهیه سند اولیه، تدقیق متن بر اساس مباحثات کمیته و جمعبندی و افزودن تجارب رفقای دیگر به آن را رفیق اعظم کم گویان بعهده داشت.

این سند به این ترتیب در اختیار همه رفقای کمونیست و خوانندگان قرار میگیرد. برای ما کمونیستها در محل کار و زندگی و در دانشگاه و مدرسه و... و در روابط سیاسی و اجتماعی، مبارزه با پلیس سیاسی یک رکن اساسی کارمان است و نباید از آن غفلت کنیم. به این دلیل جمعبندی تجارب، روشهای کار پلیس و فعالیتهای درست و غلطی که خود ما در این رابطه داریم و یا از تجربه دیگران است، همواره مورد توجه ما قرار خواهد گرفت و تلاش میکنیم منظمآ آنها هم در اختیار شما قرار بدهیم. چنانچه تجربه ای و یا نکات مهمی در هر زمینه مبارزه با پلیس سیاسی دارید که میخواهید آنها در اختیار ما قرار دهید لطفاً تردید نکنید و با ما تماس بگیرید.

کمیته سازمانده حزب حکمتیست

دیماه ۱۳۸۹

ژانویه ۲۰۱۱

امنیت و فنون مبارزه با پلیس

فهرست:

۱ - سبک کار کمونیستی و امنیت

- تلفیق کار علنی و مخفی
- تمرکز و انفصال

۲ - فنون مبارزه با پلیس

- اصل حداقل اطلاعات

۳ - نفوذ پلیسی در صفوف تشکیلات حزبی

- رمز نگاری
- تعقیب و مراقبت
- تهیه و استفاده از جاسازی
- زندان و بازجویی
- امنیت در اینترنت
- انضباط و امنیت

مقدمه

سرمایه داری طی سالهای دراز دستگاههای ویژه سرکوب و پلیس خود را برای جنگ با کمونیسم ایجاد کرده و در کار خود تخصص یافته و شیوه های بسیار پیشرفته ای را برای نابودی کمونیسم تحزب یافته بکار می گیرد.

کم بها دادن به امنیت و فن مبارزه با پلیس مخفی و عدم توجه به مبارزه سیاسی توده ای طبقه کارگر که دفاع از حزب و امنیت آن را در درجه اول تضمین می کند ناشی از توهم به بورژوازی و عدم اعتقاد به اینکه دولت بورژوایی ابزار سرکوب و خشونت طبقاتی علیه طبقه کارگر و کمونیسم است، می باشد.

در شرایطی که سرویسهای پلیسی و اطلاعاتی بورژوازی کمونیستها را منظمآ مورد بررسی و مطالعه قرار می دهند تا روشهای موثرتری برای نابودی آنها بیابند ما توجهی به شناخت روشهای آنها و تامین امنیت خود نمی کنیم. سرویسهای اطلاعاتی دشمن در حال حاضر از زیرکانه ترین و خبیثانه ترین روشها و نقشه های حساب شده بر علیه کمونیستها استفاده می کنند. ما باید بتوانیم نقشه های دشمن را کشف کرده، خود را حفظ کنیم و ضربات ارتجاع سرمایه داری را خنثی نماییم.

تامین امنیت فعالیت کمونیستی دارای دو وجه اساسی است. اول اتخاذ سبک کار کمونیستی است که امنیت فعالیت کمونیستی را از پایه و اساس تضمین می کند و بدون آن ادامه کاری فعالیت کمونیستی از هر لحاظ و بویژه به لحاظ امنیتی غیرممکن است. دوم، آشنایی با فنون مبارزه با پلیس و بکار بردن این فنون و روشها در مبارزه و خنثی کردن تاکتیکهای پلیسی بورژوازی است.

سبک کار کمونیستی و امنیت

اساسی ترین مبنای تامین امنیت یک سازمان کمونیستی، سبک کار آن است. اصل اساسی فعالیت کمونیستی زیر اختناق بورژوازی این اصل طلایی است که کمونیستها خود را از طبقه خود یعنی طبقه کارگر پنهان نمی کنند برعکس برای پنهان کردن خود از دشمنان طبقاتی باید فشرده ترین و واقعی ترین رابطه را با کارگران برقرار کرد. مخفی کاری فی نفسه وجود ندارد و در یک حزب کمونیستی قوی بدون داشتن وسیع ترین ارتباط با کارگران پنهان کاری معنایی ندارد. یک حزب مخفی قوی حزبی است که عمیق ترین رابطه را در میان کارگران دارد و در سطوح مختلف بین آنان ریشه دوانده است و خصوصیتی کاملاً توده گیر دارد. با همه تفاوتها و تمایزات و شرایط ویژه حزب کمونیستی مخفی هیچگاه صورت خود را از کارگران پنهان نمی کند و در نشریاتش با آنها بزبان صریح کمونیستی صحبت کرده و در میان کارگران فعالیت خود را شدت می بخشد.

در سبک کار کمونیستی روابط طبیعی، دوستانه و اجتماعی در میان کارگران و چفت شدن با آنها یک ضرورت محوری است که بنوبه خود امنیت تشکیلات کمونیستی را نیز تامین می کند. برای ما روابط طبیعی، دوستی و آشنایی ها و رفت و آمدهای طبیعی میان کارگران، چیزی بسیار فراتر از محمل سازی تشکیلاتی است. اینها مکانیسم های واقعی فعل و انفعال درونی طبقه است، و به این معنی بخشی از مکانیسم های عملی فعالیت خود ما کمونیستها بعنوان بخشی از طبقه نیز هست. این روابط را باید کاملاً جدی گرفت. محافل خانوادگی، دوستی ها، تماس های شغلی، آشنایی های محلی و غیره یکی از ظرف های واقعی فعالیت خود ماست. بدرجه ای که فعالین حزب این روابط خود را گسترش داده باشند، در این روابط جای گرفته باشند و خود به کارگرانی "اجتماعی" با تماس های وسیع با هم طبقه های خود بدل شده باشند، کار سازماندهی فعالیت مخفی و علنی هر دو، با سهولت بیشتری پیش می رود. بسیاری از تماس ها، آموزش ها، گزارش گیری ها و رهنمودها را میتوان در دل همین "روابط طبیعی" به پیش برد.

فعالیت کمونیستی در درون طبقه کارگر و تماس متقابل کمونیستهای حزبی در درون طبقه باید بر مکانیسمهای خود مبارزه کارگری متکی باشد. کارگر مبارز و کمونیستی که، مستقل از عضو بودن یا نبودنش در کمیته کمونیستی و حزبی، پیش خود مجاب باشد که از موقعیت عینی یک کارگر معترض برخوردار است و کسی نمیتواند چیزی بیشتر از این را به او نسبت بدهد، از نظر امنیتی در موقعیت بسیار محکمتری قرار گرفته است. ممکن است خیلی ها، چه در درون شبکه های محفلی و چه در خارج آن، حدس بزنند که شاید فلان رفقا تماس نزدیکتری با کمیته کمونیستی و حزبی دارند. اما اینگونه حدسیات که امروز درباره بسیاری از کارگران مبارز وجود دارد که عضو کمیته های کمونیستی و سازمان حزبی هم نیستند، مادام که از حد حس و گمان خارج نشود و قابل اثبات نباشد هنوز تهدید امنیتی تعیین کننده ای بشمار نمی آیند.

تلفیق کار علنی و مخفی

تلفیق کار علنی و مخفی یک بحث سبک کاری است. رابطه سازمان کمونیستی مخفی با عناصر علنی کار چیست؟ این عناصر چگونه به سازمان کمونیستی در محل کار و زندگی خود مربوطند و چگونه از آن خط میگیرند و توسط این سازمان هدایت میشوند؟ اطلاعات این عناصر مخفی کار از کمیته کمونیستی مخفی و روابط آن چقدر است؟ چگونه میتوان کاری کرد که فعالیت علنی رفیق حزبی ما امنیت و ادامگهاری این سازمان مخفی را به خطر نیاندازد؟ خود مبلغ علنی را چگونه میتوان حفظ کرد و امنیتش را تضمین کرد؟ مبلغ و فعال علنی ما چگونه میتواند بی آنکه الزاماً هویت و تعلق حزبی خود را فاش نماید - که تا وقتی اختناق تا این حد شدید است عمدتاً ناگزیر از مخفی نگاه داشتن هویت خود است - مواضع و سیاستها و شعارهای کمونیستی را بطور علنی به کرسی بنشانند؟

سازمان کمونیستی بنا به تعریف سازمانی مخفی است. این لازمه فعالیت حزبی است که در دل اختناق بورژوائی و در برابر توحش بورژوازی فعالیت میکنند. کمونیستها همواره، مگر در شرایط استثنائی، در چنین شرایطی فعالیت میکنند. در عین حال این کمیته ها محل سازمانیابی رهبران پرشور جنبش کارگری، سخنوران کارگری و کارگران صاحب نفوذ، با حفظ نقش علنی آنهاست، یعنی نقش مبلغ توده ای و نقش رهبر در مبارزات جاری کارگران. این مستلزم برقراری رابطه ای ظریف و فکر شده میان تشکیلات مخفی حزب با عناصر علنی است. محل کار "روتین" کمیته های کمونیستی یا جلسات نسبتاً وسیع کارگری، مجامع عمومی، سازمان های توده ای در محل کار و زندگی و یا جلسات مخفی محدود به افراد معین و با حفظ همه ضوابط امنیتی است. نقش مبلغ توده ای در این فعالیت ها و شرکت با عدم شرکت این رفقا در هجریک از این عرصه های فعالیت نقطه حساس اصلی در درک معنی تلفیق کار علنی و مخفی است. بدیهی است که چنین رفقای بنا به تعریف بطور اخص زیر ذره بین پلیس سیاسی قرار میگیرند. هر حرکت آنها با حساسیت از طرف نیروهای جاسوسی و سرکوب پلیس تحت نظر خواهد بود. انجام این فعالیت مستلزم نهایت درجه آمادگی، هوشیاری دائمی و قبل از هر چیز یک سبک کار اصولی و جا افتاده کار کمونیستی است که امنیت این رفقا بطور اخص و امنیت کمیته و سازمان کمونیستی بطور اعم را تامین کند. اینجاست که پای تلفیق کار مخفی و علنی به میان می آید. آن وقت مسائلی هست که باید مطلقاً از چشم پلیس و جاسوس و کارفرمایان مخفی بماند و دیگر کارگران و همکاران نیز نباید از آنها آگاه باشند.

تلفیق کار علنی و مخفی یعنی نفس وجود سازمان و تشکل کمونیستی باید از کارفرما و پلیس، جاسوسان و همه افراد یا نیروهای سیاسی دولتی و غیر دولتی مطلقاً مخفی باشد، مگر اینکه این سازمان یا کمیته کمونیستی خود را سا تصمیم میگیرد که کجا و به چه دلیل باید برای این یا آن فرد، یا این یا آن جمع و تا چه درجه ای وجود خود را علنی کند. این شامل فعالیت این سازمانهای کمونیستی در همه فعالیت اجتماعی اش میشود، در کارخانه، محله، دانشگاه و یا محل کار اما فعالین کمونیست متشکل در این سازمان بعنوان رهبر مبارزات کارگری و مبلغین کارگری دارای وسیعترین ارتباط با کارگران هستند و به کار آگاهگری و سازمانگری کمونیستی در میان کارگران مشغولند بدون اینکه این کارگران از وجود کمیته کمونیستی و سازمان حزبی در محط کار و زندگی باخبر باشند. این رهبران کارگری کمونیست وسیعترین ارتباط را با محافل کارگری دارند اما مطلقاً از کمیته کمونیستی سخنی به زبان نمی آورند.

رابطه کارگران کمونیست و کمیته های و حوزه های کمونیستی با حزب کاملاً مخفی است و کسی نباید از آن باخبر باشد. این یک جنبه جدی از فعالیت کمونیستی در شرایط مخفی و توزان قوای موجود است. ممکن است سایر کارگران در مورد اعضای کمیته کمونیستی حدسهایی بزنند اما اعضای کمیته کمونیستی به هیچ وجه هویت خود را اذعان نکرده و بطریق اولی حزبی بودن و رابطه شان با حزب را مطلقاً مخفی نگاه می دارند. مهم این نیست که چه کسی چه چیزی را حدس میزند! مهم این است که ما این حدسیات را تایید نمیکنیم!

کمیته های کمونیستی حلقه تعیین کننده ای در سیستم رهبری تشکیلات مخفی و اهرم نفوذ و رهبری سیاستهای کمونیستی در میان طبقه

کارگر، محل زندگی، دانشگاه ها و همه عرصه های زندگی اجتماعی هستند. تصمیمات کمیته کمونیستی مخفی است. هر تصمیمی که این کمیته برای پیشروی و ارتقا مبارزات در هر عرصه ای چه در مورد بهبود وضعیت کار و زندگی کارگران و یا شرایط زندگی مردم محل، علیه شرایط پلیسی محل کار و یا فعالیت کمونیستی در دانشگاه ها، می گیرد راسا به کسی یا جایی اعلام نمی شود بلکه تلاش میشود تا در جریان مبارزه بعنوان تصمیم مجمع عمومی و یا تشکل کارگری، و یا تصمیم جمعی مردم محله و یا محل کار و تجمع دانشجویان دانشگاهها مردم را به آن اقناع کرده و آن تصمیمات را به تصویب مخاطبین برسانیم. در این صورت است که تصمیمات یک سازمان کمونیستی با کمک مبلغین علنی و توده ای متصل به تشکیلات کمونیستی تبدیل به رای و تصمیم بخش بزرگی از مردم موضوع کارمان تبدیل میشود. اصل تمرکز و انفصال حلقه دیگری از تلفیق کار علنی و مخفی است که در زیر به آن می پردازیم.

تمرکز و انفصال

سازماندهی منفصل یکی از پایه های تلفیق کار علنی و مخفی است. ثبات و قدرت تشکیلات کمونیستی مخفی در هر محل بیش از هر چیز به یک تشکیلات قوی کمونیستی که با مخاطبین و موضوع کار چفت شده و از آن جدانپذیر نیست گره خورده است. تشکیلات کمونیستی در کارخانه و مراکز تولیدی با کارگران محل خود، تشکیلات کمونیستی فعال در محلات با مردم محل خود، تشکیلات کمونیستی در دانشگاه ها با دانشجویان و غیره. کمیته های کمونیستی خود به معنی ایجاد درجه ای از تمرکز در فعالیت کمونیستی هستند، تمرکزی که خود لازمه ادامه حیات و گسترش کارشان است. این تمرکز اما در عین حال باید از سایر کمیته ها و حوزه های کمونیستی و سازمانهای حزبی دیگر هم مخفی بماند. تنها آنجا که گسترش فعالیت کمونیستی و توازن قوای میان این مبارزه و دیکتاتوری حاکم ایجاد میکند، میتوان درباره تمرکز بیشتر فعالیت کمونیستی فکر کرد، تصمیمی که قطعا از طرف رهبری حزب باید اتخاذ شود، تا آن زمان اما کمیته های کمونیستی برای کار با سایر رفقای کمونیست خود در درون جنبش کارگری، در محلات یا دانشگاه و غیره نیاز به دانستن چند و چون رابطه تشکیلاتی آن رفقا با حزب ندارند. اصل انفصال کمیته ها و حوزه های کمونیستی از یکدیگر و خودداری از انفصال افقی یا عمودی با سایر کمیته ها بدلیل توازن قوای سیاسی و اجتماعی و پلیستی امری حیاتی است.

فنون مبارزه با پلیس

رفقای کمونیست، حوزه و کمیته های کمونیستی حزب همواره باید از خود سوال کنند که پلیس سیاسی در هر مقطع چه خطراتی برای فعالیت متشکل آنها ایجاد میکند. به مهمترین موارد این خطرات اشاره میکنیم:

اصل حداقل اطلاعات

پلیس به وسیله کسب اطلاعات و سنتز کردن آنها سرنخ های فعالیت متشکل و چند و چون سازمان حزب را میتواند در یابد. کسب اطلاعات بوسیله دستگاه های پلیس سیاسی از فعالیت متشکل ما، معمولا از بیدقتی، سهل انگاری و دست کم گرفتن دستگاه سرکوب بورژوازی بر علیه فعالیت کارگران و کمونیستها است که بوسیله خود ما ممکن میشود. از طریق دادن اطلاعات از فعالیت متشکل خودمان به "خودی" ها و "دوستان" و "همفکران" و دسترسی پلیس را به اطلاعات فعالیت متشکل خود فراهم کرده ایم. معمولا این کارها خودبخودی و از زاویه تبلیغ بیشتر برای فعالیت و یا تشویق کردن دیگران به فعالیت متشکل است اما همین درز اخبار که وقتی پخش میشود کنترلی بر آن نخواهیم داشت موجب دسترسی پلیس و عواملش به فعالیت ما میشود. معمولا همه این اطلاعات از سر دوستی و همکاری است که همه خودی ها و دوستان به هم میدهند. اصل حداقل اطلاعات مهمترین و حیاتی ترین روش برای مقابله با خطرات پلیس سیاسی است. کمیته های کمونیستی و حوزه های حزبی موفق آنهایی هستند که توانسته اند با توانایی بالای خود در مقابله با پلیس اطلاعاتشان را حفظ کرده اند، چه در فعالیت روتین و چه احوال زمانی در بازجویی و زندان. حفظ جان رفقایمان و حفظ و گسترش فعالیت متشکل ما تماما به رعایت این اصل و داشتن انضباط آهنین برای اجرای آن بستگی دارد.

این اصل باید اکیدا رعایت شود. به هر کس باید تنها آن درجه اطلاعات داده شود که برای انجام درست وظایف خود به آن نیاز دارد. آشکار کردن تعلق حزبی فعالین و معرفی مبلغین و مروجین سازمان حزبی به رفقای جدید، دعوت این رفقا به محافل ترویجی و یا شناساندن اماکن تشکیل جلسات به آنها باید با نهایت دقت و بر مبنای ارزیابی نیازهای حزب و ظرفیت و نوع وظیفه هر رفیق جدید انجام گیرد. هر عضو و کادر حوزه و کمیته های کمونیستی حزب موظف است هر اتفاق مشکوک و غیر منتظره و هر اطلاعات امنیتی جدید را فوراً به حوزه و کمیته ای که به آن تعلق دارد اطلاع دهد.

حوزه و کمیته های حزب موظفند تا در برابر هر خطر امنیتی راه حل مناسب و درخور برای کوتاه کردن دست پلیس و گمراه کردن آن اتخاذ کنند. تمرکز اطلاعات در باره فعالیت رفقای حزبی، این امکان را به مسئولین مرکزی می دهد که بسیاری خطرات پلیسی را با دقت نظر و احاطه بیشتری تشخیص دهند و به موقع فعالین را از خطرات احتمالی و روابط آلوده با خبر سازند.

گزارش همه موارد امنیتی به کمیته سازمانده حزب این امکان را فراهم میکند که این کمیته منظم فعالیت پلیس را بررسی کرده و کل سازمان حزب را بموقع از هر خطری مطلع کند.

نفوذ پلیسی در صفوف تشکیلات حزبی

باید ضمن حفظ آمادگی در مقابل شیوه‌های کهنه پلیس، بویژه خود را برای مواجهه با شیوه‌های جدید نفوذی آماده کنیم. شیوه‌هایی که در عملکرد پلیس سیاسی بورژوازی در کشورهای مختلف از خصلت کلاسیک و جا افتاده‌تری نسبت به هجوم و تاخت و تاز علنی نیروهای سرکوبگر برخوردارند. بطور کلی اقدامات نفوذی پلیس در رابطه با سازمان حزبی در دو سطح مطرح میشود. اول، نفوذ جاسوسان رژیم از پائین بصورت تماس عناصر نفوذی دشمن در شکل به اصطلاح "هوادر" با حوزه حزبی. تلاش برای نفوذ از پائین مکرراً اتفاق می‌افتد، بویژه آنکه کسب اطلاعات بطور روتین وظیفه هر خبر چین و جاسوس محلی رژیم در محیط زیست و کار کارگران است و طراحی و تصمیم گیری در باره چنین اقدامی منوط به دخالت سطوح بالای ارگانهای سرکوب و جاسوسی جمهوری اسلامی نیست. این اقدامی است که واحدهای محلی جاسوسی و سرکوب، نظیر شعبات سپاه پاسداران، کمیته‌ها، حراست، انجمنهای اسلامی کارخانجات و غیره راساً به آن دست می‌زنند. هر کمیته و حوزه حزبی باید فرض را بر این بگذارد که با گسترش فعالیت خود و تأثیرگذاری بر محیط مورد نظر، توجه عوامل محلی رژیم را به خود جلب میکند و اقدامات پلیسی برای کسب اطلاعات، و از جمله تلاش برای نفوذ از پائین در روابط کمیته آغاز خواهد شد.

شکل دوم، نفوذ برنامه ریزی شده پلیس برای شناسایی مستقیم اعضای حزب در کمیته‌ها و حوزه‌ها و بدام انداختن کل سازمان حزبی است. مواردی مشاهده شده است که دشمن کوشیده است با ایجاد "هسته"های دروغین مستقیماً با حوزه‌ها و فعالین حزب تماس بگیرد و یا به شناسایی هواداران مترصد اتصال به حزب بپردازد. اینگونه طرح‌ها پیچیده‌تر است و برای پلیس متضمن برنامه ریزی دقیق‌تر و همه‌جانبه‌تری است. اما در وجود چنین طرح‌هایی تردید نیست. ان شیوه‌های جدید پلیس ما را به رعایت اکید موازین معینی موظف میکند.

مسئله مهمی که ضعف پلیس در کاشتن جاسوس در سازمان کمونیستی است را هم باید دانست. تشکیلات کمونیستی متشکل از کارگران مبارز و کمونیستها و رهبران مبارزه در محل کار و زیست است. ای جوانان کمونیست و رهبران مبارزه کمونیستی آنها را شامل میشود. دستگاه‌های پلیس از هر نوعی که باشند همواره خبیثترین و منفورترین‌ها را شامل میشوند. اینها طولانی مدت نمی‌توانند در صف مبارزه کارگران و رهبران مبارزه ما خود را مخفی کنند، در دانشگاه و محلات نیز همین مساله صادق است. دست آنها نه اینکه کاملاً بسته باشد ولی بدرجه بسیار زیادی کوتاه است. مهم این است که تشکیلات حزب در برگیرنده رهبران و فعالین و کارگران و کمونیستهای مبارز و پیگیری است که در محیط کار و زیست خود و در اجتماع این وجه را تثبیت کرده اند و دارند و نفوذ در چنین تشکیلاتی که در برگیرنده چنین افراد و خصوصیتی است بسیار سخت است و بهمین دلیل سرکوب و قلع و قوع این تشکیلات‌ها یک کار برجسته پلیس است. این نکات از آنجا گفتنش ضروری است که یادآور شویم که مبارزه با پلیس و مقابله با مساله نفوذی دقیقاً بستگی به فعالیت ما و سبک و روش‌های کار ما دارد با این وجود باید متوجه بود که زمانی که پلیس به وجود کارگر کمونیست و تشکل کمونیستی و حزبی کارگرانی پی می‌برد الزاماً و فوراً به دستگیری آنها اقدام نمی‌کند بلکه سعی می‌کند با فرستادن جاسوس به میان آنها مدارک لازم در مورد فعالیتشان و روابط حزبی شان را جمع آوری کرده و کلیه سر نخ‌ها را بدست بگیرد و عضو یا اعضای را تحت فشار قرار دهد که با پلیس همکاری کنند.

باید دقت کرد که درجه خطرناک بودن فعالیت آگاه‌گرانه کمونیستی و تلاش برای سازماندهی کارگران و یا سازماندهی اعتصابات کارگری بدلیل خصلت توده ایش بهمان اندازه تلاش برای سازماندهی حزبی و ایجاد کمیته‌ها و حوزه‌های کمونیستی برای پلیس خطرناک تلقی نمی‌شود. آنچه که پلیس سعی می‌کند در نطفه مانع شکل‌گیری بشود همان سازمان کمونیستی و حزبی کارگران و جلوگیری از ارتباط گیری کارگران مبارز با کمیته کمونیستی و حزبی است. از این رو رعایت اصل حداقل اطلاعات بسیار حیاتی است. اطلاع داشتن از سیاست و نظرات یک حزب کمونیستی فی نفسه بمعنای ارتباط سازمانی با آن حزب نیست.

بعلاوه توجه کنید که وجود نشریات حزب، سی دی وی دی‌های سخنرانیهای مبلغین حزب و حتی نشریات داخلی و برخی اطلاعات درون حزبی در نزد افراد، لزوماً به معنی به ثبوت رسیدن اصالت رابط آنها با حزب و صلاحیت امنیتی آنها نیست. بسیاری از این متون و اسناد در سطح وسیع علناً توسط حزب پخش میشود و برخی دیگر ممکن است در اثر ضربات پلیسی بدست رژیم افتاده باشد. بنابراین ارائه اینگونه اسناد و مدارک نمیتواند و نباید بعنوان مدرکی برای اثبات صلاحیت امنیتی افراد و محافل بکار رود.

رمز نگاری

استفاده از رمز برای تامین امنیت مکاتبات و مکالمات با مرتبطين حزبی خود یک امر حیاتی است. باید اطلاعاتی که رد و بدل می‌کنید را رده بندی کرده و آنهایی را که محرمانه و یا کاملاً محرمانه طبقه بندی می‌کنید را از طریق سیستم رمزی که قبلاً با طرفین خود در مورد آن توافق کرده اید، مبادله کنید. سیستم‌های رمزنگاری کامپیوتری نیز موجود هستند که بسته به میزان توانایی استفاده از آنها و ضرورت می‌توانید استفاده نمایند.

تعقیب و مراقبت

فعالیتی که در شرایط پلیسی فعالیت می‌کنند باید با روشهای تعقیب و مراقبت و تکنیکهای ضد تعقیب و مراقبت آشنا باشند و آنها را تمرین و بکار بگیرند. با وجود پیشرفتهای تکنولوژیکی که امکانات بیشتری به سیستمهای پلیسی برای تعقیب و مراقبت داده است بسیاری از دستگاههای امنیتی و پلیسی همچنان از روشهای فیزیکی تعقیب و مراقبت استفاده می‌کنند چون امکان کشف مراقبت تکنولوژیکی از طرف دشمن خود بالاست و نمی‌خواهند عملیات خود را دچار خطر بکنند. این دستگاهها از اپراتورهای انسانی که می‌توانند فکر کنند، قادرند عکس العمل نشان بدهند و در صورت لزوم به عملیات خاتمه دهند، استفاده می‌کنند.

یک تیم تعقیب و مراقبت بطور معمول از دوازده اپراتور و شش اتوموبیل تشکیل میشود و دارای بی سیم، دوربین، نقشه، ویدئو برای ضبط حرکات هدف خود مجهز است. مراقبت به اشکال ثابت، متحرک و یا ترکیب این دو و بصورت پیاده و سواره _ با ماشین - صورت می گیرد.

تعقیب و مراقبت فیزیکی

در این روش دستگاه امنیتی "هدف" را بطور سیستماتیک مشاهده و مونیتر می کنند بدون اینکه خود را آشکار کنند. از این طریق اطلاعات مربوط به محل زندگی، شغل، جلسات، مسیرهای تردد، روابط و شبکه های دوستی، رفاقت، خانواده و فعالیت را شناسائی می کنند و در زمان لازم تور را بسته و همگی را دستگیر می کنند. این تیم ها از انواع پوششهای طبیعی استفاده می کنند، خود را به رنگ محیطی که در آن عملیات می کنند در می آورند و با رعایت بیشترین جزئیات سعی می کنند فعالیت خود را پنهان نگاه دارند. این تیم ها از ساختمان؛ اماکن، هتلها، اتوموبیلها، ماشینهای ون بزرگ برای نظاره کردن "هدف" خود استفاده می کنند و در صورت لزوم از حمایت کلیه دستگاههای پلیسی؛ قانونی و .. برخوردارند. این تیمها می توانند مدت های طولانی عملیات خود را پیش ببرند بدون اینکه شک و سوءظن "هدف" خود را برانگیزند.

یک فعال کمونیست که در شرایط مخفی فعالیت می کند باید همواره محیط اطراف خود چه منزل و چه شغل و چه تردد و رفت و آمد با رفقا، اقوام، و ... را بطور سیستماتیک چک و کنترل کند. توجه به تغییر و تحولات در این محیط ها و در نظر گرفتن تغییرات و فاکتورها بدون اینکه چیزی را فیلتر کند، بسیار ضروری است. باید به فورم و شکل و قیافه و لباس و حرکات بدنی افراد در محیط اطراف خود دقت کرد. این چک روتین تاثیر زیادی در حفظ امنیت دارد.

هرکس که در مورد امنیت شخصی اش نگران است باید روش فوق الذکر را که "کشف غیر فعال" تعقیب و مراقبت نام دارد را انجام بدهد. حتی اگر دلیل خاصی برای تعقیب و مراقبت وجود نداشته باشد باید مشاهدات دقیق و روزمره را همواره پیگیری کند و فرض کند که افراد و اتوموبیل ها مشکوک هستند. او باید بدون اینکه حساسیت و هشاری تیم تعقیب و مراقبت را برانگیزد، اوضاع را دائما تحت نظر داشته باشد. هنگامی که متوجه شدید که مورد تعقیب و مراقبت قرار گرفته اید آنگاه روش فعال "ضد تعقیب و مراقبت" را در پیش بگیرید. "کشف فعال" تعقیب و مراقبت عبارتست از مانورهایی که فعال بعمل می آورد و از آنجا که متوجه فعالیت پلیس در تعقیب و مراقبت اش است می کوشد تا با ندادن اطلاعات جدید به آنها و پرداختن به عادی ترین کارها و دنبال نکردن روتین حزبی در خارج از محل کار و زیست و همینطور از دسترس خارج کردن ادبیات و اسناد حزبی و کتاب و سی دی و دی وی ها و ... تیم تعقیب و مراقبت را ناکام بگذارد. این کار تا هر زمانی که لازم است باید ادامه داشته باشد.

تعقیب و مراقبت پیاده

این روش زمانی صورت می گیرد که "هدف" قرار است فعالیت مهمی را در منطقه معینی انجام دهد. اپراتورهای پیاده انعطاف بیشتری برای مانور دارند و "هدف" خود را مستقیما از پشت سر، و در مسیری موازی با وی تعقیب می کنند. برای خنثی کردن تعقیب و مراقبت پیاده باید از رفت و آمد در مکانهای عمومی که جمعیت زیادی در آن در حال رفت و آمد هستند و دارای خروجی و ورودیهای متعدد، و آسانسور و پله برقی و پله های معمولی هستند استفاده کنید. این امکانات فرجه بهتری برای خلاص شدن از تعقیب و مراقبت برای شما فراهم می کنند. تعقیب و مراقبت پیاده معمولا برای دسترسی پلیس به اطلاعات بیشتر صورت میگیرد به این صورت که "هدف" را تعقیب میکنند تا افراد و اماکنی که به آنها می رود را شناسایی کنند و بر اطلاعاتشان بیفزایند. خنثی کردن هر تعقیب و مراقبت در گرو این است که روابط طبیعی و عادی باشد و از هر گونه فعالیت مشترکی با کسان دیگری که دارای روابط طبیعی در محل کار و زندگی نیستید خودداری کنید این روش فعالیت و مبارزه ما نیست. این نوع فعالیت ها مناسبترین امکان برای پلیس در سرکوب هر نوع فعالیت متشکل و ضربه زدن به ادم هایی است که می خواهد فعالیت متشکلی را بر علیه سرکوب و استبداد پیش ببرند.

تعقیب و مراقبت تکنولوژیکی

این روش برای تکمیل تعقیب و مراقبت فیزیکی بکار می رود و شامل ضبط نوارهای کاست و ویدئو از حرکات و تحرکات "هدف"، دسترسی به کامپیوتر وی، جا دادن ابزارهایی برای شنود تلفن او، نصب دوربینهای بسیار کوچک و میکروفونهای موثر در محیط زندگی و کار "هدف"، نصب ابرازهایی در سیستم کابل تلفن در پیرامون محل سکونت وی، استفاده از تلویزیون مدار بسته و ... همگی بعنوان مکمل تعقیب و مراقبت فیزیکی بکار گرفته می شوند.

هرچند که سیستم پلیسی جمهوری اسلامی همچنان از روشهای تعقیب و مراقبت سنتی یعنی پهن کردن تور و تعقیب اشخاص، اتوموبیلها و مکانها استفاده می کند اما پیشرفت تکنولوژیک و دسترسی به امکانات بیشتر در این زمینه مانند روشهای پیشرفته استراق سمع، کنترل تلفن های موبایل و استقرار تلویزیونهای مدار بسته در بسیاری از اماکن و بخصوص اینترنت نیز کار پلیس را برای تعقیب و مراقبت زیرکانه و ضربه زدن به کمونیستها راحتتر کرده است. از این رو بهیچ رو این برتری امکانات پلیس را دستکم نگیرید. برای مکالمات شفاهی خود از روشهای رمز استفاده کنید. برای مکاتبات خود نیز باید حتما از رمز استفاده کنید. باید از مکانهای طبیعی رفت و آمد که از تیررس تلویزیون

مدار بسته دور باشد برای تماسهای خود استفاده کنید و برای تلفن موبایل خود در صورت امکان از شماره هایی که توسط دستگاههای دولتی ثبت نشده باشد و قابل تعقیب نیستند تهیه کنید. ردیابی از طریق تلفن موبایل یکی از راههای معمول تعقیب است. پلیس محل های زندگی و تجمع فعالین را از همین طریق شناسایی کرده و تحت تعقیب قرار می دهد. کافی است که پلیس فقط شماره تلفن کسی را داشته باشد سرعت به محل زندگی و تردد وی دست یابد. برای مقابله با این وضعیت می توانید باطری و سیم کارت موبایل خود را بیرون بیاورید تا احتمال تعقیب و شناسایی از این طریق را به صفر برسانید. چنانچه گوشی شما (تلفن همراه) موقع خرید با مشخصات شما ثبت شده است باید مطمئن باشید که از طریق شماره ثبت که هر گوشی تلفنی دارد، شما در معرض کنترل هستید.

بسیاری از فعالین دچار این اشتباه هستند که تنها زمانی که درگیر فعالیت خاصی هستند، خود را چک و از سلامت امنیتی اطرافشان اطمینان حاصل می کنند. با انجام این کار تیم تعقیب و مراقبت که حضور دارد و از طول و عرض رفت و آمدهای وی و تحرکاتش باخبر است، سرعت می فهمد که "هدف" واقعا چیزی برای مخفی کردن دارد و در نظر دارد فعالیت خاصی را پیش ببرد و در نتیجه آنها هم دست به یک عملیات کامل علیه وی می زنند. از این رو "کشف غیر فعال" تعقیب و مراقبت اهمیت حیاتی دارد. در ادامه این جزوه به امنیت و اینترنت نیز می پردازیم.

تهیه و استفاده از جاسازی

هر فعال کمونیستی که در شرایط سرکوب و اختناق بورژوازی به کار آگاهگری و سازماندهی مشغول است حتما باید اسناد و مدارک و نشریات خود را که رابطه سازمانی و تشکیلاتی او با سطوح مختلف حزبی را آشکار می سازد، پنهان کند. از این رو داشتن جاسازی های مطمئن و موثر یک ضرورت مبرم است. برای ساختن جاسازی که بتوانید منظم و سریعاً از آن برای پنهان کردن اسناد و نشریات خود استفاده کنید از امکانات و جاهای طبیعی محل زندگی خود که دارای فضاهای باصطلاح "مرده" هستند، استفاده کنید. دیوار، پله ها، کابینت ها، کشوها، قفسه ها، و فضاهایی که می توانید از آن اطاقهای مخفی نیز بسازید، از جمله امکانات طبیعی برای ساختن جاسازی هستند. در مورد جاسازی به همین مقدار اکتفا می کنیم و دوباره تاکید می کنیم که هیچ فعال کمونیست در شرایط مخفی مجاز نیست که اسناد و مدارک فعالیت خود بدون داشتن جاسازی استفاده کند.

امروزه اسناد و مباحث تصمیم گیریها و یا ادبیات و نشریات حزبی را چه کتبی و چه صوتی و تصویری را می توان در مموری های جداگانه ذخیره کرده و در جاسازی نگهداری کرد.

زندان و بازجویی

ضرورت پافشاری بر "اصل حداقل اطلاعات" را بخصوص زمانی که دستگیری می شویم درک می کنیم. به هر کس باید تنها آن درجه اطلاعات داده شود که برای انجام درست وظایف خود به آن نیاز دارد. آشکار کردن تعلق حزبی فعالین و معرفی مبلغین و مروجین سازمان حزبی به رفقای جدید، دعوت این رفقا به محافل ترویجی و یا شناساندن امکان تشکیل جلسات به آنها باید با نهایت دقت و بر مبنای ارزیابی نیازهای حزب و ظرفیت و نوع وظیفه هر رفیق جدید انجام گیرد.

در زندان نیز اصل بر حفظ اطلاعات تا درجه و هنگامی است که رفقای ما در خارج از زندان فرصت پیدا کنند خود و اطلاعات و امکانات لازم را از دسترس پلیس دورکنند. دادن اطلاعات "مرده" تنها زمانی مجاز است که تا درجه بالایی مطمئن باشیم که با دادن آن اطلاعات چیزی دستگیر دشمنان ما نمی شود.

سیستم بازجویی در زندان های جمهوری اسلامی پیشرفته و پیچیده است. به نسبت خطوط سیاسی اصلی و احزاب سیاسی جدی، بازجویان نیز متخصصین آن خطوط هستند و تا حدود زیادی از زیر و بم سیاسی و تئوریک و مسائل سازمانهای سیاسی مطلعند. برخلاف سیستم بازجویی و زندانهای دوران سلطنت، پلیس اسلامی از شکنجه های روانی برای درهم شکستن اراده زندانیان استفاده می کند. بلوف و رودست زدن به فعال دستگیر شده که دقیقاً نمی داند ضربه منجر به دستگیری از کجا بوده همراه با فضای ارباب و شکنجه های وحشیانه باعث می شود که زندانی رودست خورده و در میزان اطلاعاتی که دشمن از او دارد اغراق کند.

همیشه باید از این اصل استفاده کنید که باید شما نیز از دشمن کسب اطلاع کنید. به آنها اطلاعات سوخته بدهید و سعی کنید دریابید که در چه رابطه ای دستگیر شده اید. بسیاری که وابستگی سازمانی و حزبی هم دارند اما دستگیر شدنشان بدلیل فعالیتهای علنی سیاسی و شرکت در مبارزه جاری است، باید این نکته را به خوبی در نظر داشته باشند که موقعیت سیاسی و اجتماعی آنها بطور مثال منجر به دستگیریشان شده و این امر برای رژیم بسیار قابل تحمل تر از وابستگی آنها به حزب کمونیستی است از این رو همیشه باید دقت و تحلیل کرد که دشمن از شما چه اطلاعاتی دارد و به احتمال زیاد به چه دلیل دستگیر شده اید.

در سیستم پلیسی بازجویان از روانشناسی، فیزیولوژی بدن انسان و بطور کلی دانش مربوط به طبیعت انسان استفاده می کنند تا با آزار جسمی، برانگیختن ترس و نگرانی و احساسات و ... فعال دستگیر شده را مغزشویی کرده و زیر فشار روانی و جسمی به دادن اطلاعات و اعترافات ساختگی وادار بسازند. از همان ابتدا بازجو بر زندانی کنترل کامل دارد. با بازرسی بدنی، تعویض لباسها با لباس زندان، زدن چشم بند و نگهداشتن زندانی در اطاقها و گوشه دیوارها سعی می کنند او را تضعیف روحیه و دچار بی هویتی کنند.

تکنیکها و حيله هاى بازجویی

سعی می کنند میزان فعالیت شما و درجه جدی بودن را کاهش داده و مثلا بگویند "حالا اگر با کسی رابطه داری در جلسه ای شرکت کرده ای و نشریه ای به کسی داده ای بگو چیز عجیبی نیست همه اشتباه می کنند. سعی می کنند با کاهش خطر فعالیت شما، شما را وسوسه به اعتراف بکنند. و اگر فریب بخورید دیگر سر نخ باز می شود." هیچگاه این مساله را فراموش نکنید که اگر به بازجو اره بگویید گلویمان را بر نیزه بازجو فرو کرده ایم"

روی دیگر این تاکتیک، اغراق در میزان فعالیت شما و شدت آن است و اینکه اگر اعتراف کنید پلیس شما را خواهد بخشید و بیش از چند ماه در زندان نخواهید بود و می توانید سراغ زندگی تان بروید. در غیر اینصورت اگر اعدام نشوید در گوشه زندانهای خواهید پوسید. می کوشند شما را قانع کنند که فعالیت شما، از سر جوانی، از سر احساسات، ناپختگی و ... بوده و اگر اعتراف کنید قابل اصلاح خواهید بود. در این روش هیچگونه احساس ضد کمونیستی از خود بروز نمی دهند. سعی می کنند بعنوان یک دلسوز و آدم عاقل و خیرخواه و مشاور ظاهر شوند. می گویند این نوع مسائل خیلی ها پیش می آید. اشتباهی جزئی است. اما برای اینکه قابل تحمل و قابل قبول باشد باید اعتراف کنید!

تاکتیک دیگر این است که هم پرونده های شما را مقصر دانسته و سنگینی پرونده شما را روی آنها هم می گذارند و به آنها هم می گویند که شما مقصرید که کار آنان به زندان کشیده شده است.

اگر میزان تحصیلات شما بالا باشد با شما بسیار از پائین برخورد کرده و می گویند "نمی فهمم چرا آدم با شعور و سطح بالایی مثل شما باید خودش را با این گدا گشنه های بی سواد و بی شعور قاطی کند؟ و اینکه "ما هر کاری از دستان بریباید می کنیم تا حرمت و موقعیت شما را حفظ کنیم"

تاکتیک دیگر این است که با توجه به شناخت و اطلاعاتی که از شما دارند با زدن حدس، داستانی را در مورد فعالیت های شما میگویند تا شما را به شک و تردید انداخته و وادار به دادن اطلاعات بکنند. به این معنی که شما فکر کنید آنها از شما اطلاعات خیلی زیادی از شما دارند و بهتر است که دیگر چیزی را از آنها پنهان نکنید تا جرمتان سنگینتر بشود.

روش دیگر این است که مدارک ساختگی را جلوی شما می گذارند و ادعا می کنند که آنها را از منزل شما برداشته اند و می گویند "ما همه را چیز را می دانیم فقط اعتراف تو را می خواهیم".

سعی می کنند دلیل یا دلایلی برای توجیه فعالیت شما بیاورند و بگویند که می فهمند شما چرا دست به این نوع فعالیتها رده اید. با شما اعلام همدردی می کنند تا شما را خام و وادار به اعتراف بکنند. مثلا می گویند "می فهمیم که در خانواده شما فلان برادر یا دایی و ... در فعالیت های سیاسی چپی درگیر بوده" و یا "دوستان ناباب و نادان برای انجام این کارها شما را تحت تاثیر قرار داده اند..."

تاکتیک دیگر بازجوی خوب و بازجوی بد است. به این ترتیب که بازجوی خوب بعد از شکنجه و توهین توسط بازجوی بد وارد میدان شده و باصطلاح زندانی را نجات می دهد و به او امکانات می دهد تا اطلاعات بدهد و اعتراف کند و اگر این کار را نکرد آنوقت دوباره بازجوی بد از راه می رسد و این سیکل را برای شکستن زندانی تکرار می کنند.

برای کسب اطلاعات، بازجو یا کسی از زندانیان را که با پلیس همکاری می کند را بعنوان زندانی مقاوم در سلول بغل دست زندانی قرار داده تا از طریق او کسب اطلاعات کنند. سپس با استفاده از آن اطلاعات که ممکن است جزئی هم باشد، زندانی را به دادن اطلاعات بیشتر وادار کنند.

بلوف زدن یعنی وانمود کردن اینکه کسی از رفقای شما اعتراف کرده و کلیه اطلاعات مربوط به شما را داده است. در این روش ممکن است برخی اطلاعات سوخته را که هردوی شما از آنها مطلع بوده اید را بعنوان سند همکاری رفیق شما رو کنند تا شما را فریب و وادار به دادن اعتراف بکنند. آنها متقابلا همین تاکتیک را در مورد رفیق شما بکار گرفته و به او می گویند که شما اطلاعات خود را داده اید یا با آنها همکاری کرده اید.

در روشی دیگر، یک فایل بزرگ از اعترافات دیگران و اسناد و مدارک بدست آمده علیه شما را در مقابل تان گذاشته و می گویند تا دیر نشده اعتراف کن! اگر اعتراف نکنی حکم اعدام است! شما را بشدت می ترسانند و می گویند نه زندگی، نه تحصیل نه ازدواج و خانواده و بچه خواهی داشت در زندانهای می پوسی. اما اگر اعتراف کنی چند ماهی اینجا هستی و بعد میری بیرون و به زندگیت می رسی. این تاکتیک به تاکتیک "بهشت و جهنم" معروف است. در پیاده کردن این تکنیک، زندانی را یک دوره زیر فشار روانی و شکنجه شدید جسمی، بازجویی های ممتد، سلول انفرادی و محرومیت از حمام و ملاقات و ... قرار می دهند. سپس یک دوره خلاف این عمل می کنند یعنی سلول قابل تحمل، غذای خوب، روزنامه و ملاقات و لباس و ... همراه با بحثهای سیاسی و ایدئولوژیک و شستشوی مغزی سعی در درهم شکستن زندانی می کنند.

اگر پس از دستگیری یکی از روابط خود بلافاصله دستگیر نشدید به این معنی نیست که لو نرفته اید. باید حتما محل زندگی خود را تغییر داده و خود را از دسترس پلیس محفوظ بدارید.

شکنجه های روانی عبارتند از بازجویی در نیمه های شب، حمله به سلولها، همجواری سلول شما با اطاق بازجویی و شکنجه، بحثهای مکرر و ممتد سیاسی و ایدئولوژیک و استفاده از نقاطی که به زعم آنان نقطه ضعف شما و حزب تان است بمنظور پاشیدن تخم تردید و تزلزل، استفاده از خانواده و نزدیکان شما برای فشار بر شما، محرومیت از ملاقات و حمام و روزنامه و عوض کردن مکرر سلول شما و هم سلول ساختن شما با زندانیانی که زیر فشار به همکاری یا آنها دست زده اند، بعد ناگهان تاکتیک عوض کردن و همه پروسه های بالا را برعکس کردن و در صورتی که نتیجه نگرفتند با دور دیگری از شدیدترین شکنجه و فشارها را اعمال می کنند.

گرفتن مصاحبه از زندانیان یک جزء اصلی روش بازجویی در زندانهای رژیم است تا از طریق آن و با گروکشی کردن زندانی را وادار کنند با آنها همکاری بیشتری بکنند. معمولاً سعی می کنند از زندانی نقطه ضعفی بدست گرفته و با استفاده از آن، از او گروکشی کرده و در مقابل رو نکردن آن اطلاعات و همکاری می خواهند.

- در بازجویی مساله پاپوش درست کردن بسیار متداول است به این ترتیب که بر پرونده فعالین سیاسی مواد مخدر، رابطه با اصطلاح نامشروع، اسلحه، ارتباط با بیگانه و دریافت پول و ... میگذارند. باید به چنین موارد با هوشیاری برخورد کنیم وقادر باشیم با هر روشی که سعی کنند موارد بالا را به ما بچسباند مقابله کنیم.

یک کمونیست که اسیر دستگاه پلیسی سرمایه داری شده باید قبل از هر چیز سعی کند تحلیل کند به چه دلیل دستگیر شده است. هرگز فرض نگیرید که دشمن همه چیز را می داند. سعی کنید وقت بخريد تا بتوانید از فوکوسهای باز جو بفهمید که دستگیری شما درچه رابطه ای است. بهیچ رو بلوف نخورید. به کسانی که بعنوان هم سلول مقاوم و غیره نزد شما می فرستند اعتماد نکنید. اطلاعات خود را به هیچ کس ندهید حتی پس از آنکه بازجویی تان هم تمام شد. می توانید با زندانیان دیگر رابطه داشته باشد بدون اینکه مسائل پرونده خود را با آنها بحث کنید.

امنیت در اینترنت

بعنوان یک فعال کمونیست که از اینترنت و تلفن موبایل برای ارتباطات خود استفاده می کنید بطور بالفعل در معرض دسترس پلیس هستید و برای جلوگیری از دسترسی پلیس به این اطلاعات باید اقدامات پیشگیرانه ای را انجام دهید. باید فرض را براین بگذارید که هربار وارد انترنت می شوید درست مانند این است که دارید جلوی چشم پلیس مکالمات و مکاتبات خود را انجام می دهید. از این رو باید سطح استفاده خود از اینترنت را محدود و با استفاده از رمز بنمائید. یعنی باید قبلاً از طریق مکاتبه یا حضوری سیستم رمز خود را با مرتبطين خود تعیین کرده باشید و سپس از آن در اینترنت و یا با موبایل استفاده کنید. برای جلوگیری از دسترسی پلیس به کامپیوتر خود باید از سیستم های نصب آنتی ویروس، نصب فایروال (دیواره آتش) یا سد دفاعی، نصب برنامه های ضد جاسوسی، مدیریت پسوندها و مرورگرهای امن استفاده کنید.

هیچ نوع فایل یا سند و یا اطلاعاتی را روی کامپیوتر خود نگهداری نکنید و برای اینکار از یو اس بی فلاش که می توانید براحتی جاسازی کرده و یا در مواقع لزوم آن را نابود کرده یا دور بیندازید استفاده کنید. کامپیوترها باید مطلقاً از اسناد و نشریات و مصوبات و تصمیمات کمیته کمونیستی پاک باشند.

انضباط و امنیت

پنهان کاری یک شیوه برای حفظ اسرار حزب است و طبق هر وضعیت مشخص مبارزه طبقاتی تغییر می کند اما اساس آن در کلیه شرایط این است که شدیدترین انضباط را می طلبد. مبارزه ما با پلیس سیاسی یک مبارزه جاری و دائمی است. ما باید همواره، برای حفظ ابتکار عمل سیاسی خود، از لحاظ امنیتی لااقل یک گام از ارگانهای جاسوسی و پلیسی بورژوازی جلو باشیم، و این بدون رعایت اکید انضباط، تشخیص و خنثی کردن شیوه های کهنه و جدید پلیس سیاسی و انتقال سریع تجارب امنیتی به ارگانهای تصمیم گیرنده حزب مقدور نیست.

سازمان کمونیستی محق است که برای حفظ امنیت و ادامه کاری انقلابیون کمونیستی که در این جو اختناق خونین وظیفه سازماندهی انقلاب سوسیالیستی را بعهده گرفته اند، فاصله خود را با هر رفیق هواداری که، ولو از روی بی دقتی و سهل انگاری، اندک شبهه ای در صلاحیت امنیتی خود بجا میگذارد، حفظ کند.

سایت کورش مدرسی:

www.koorosh-modaresi.com

سایت منصور حکمت:

www.hekmat.public-archive.net

از سایت کمیته سازمانده دیدن کنید:

www.sazmandeh.com